

متن پرسش

سلام و ادب خدمت استاد گرامی بنده دانش آموزی در رشته انسانی هستم. تا چند سال پیش به فلسفه و علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌ای نسبتاً طبیعی و معمولی داشتم. سال پیش سوالات و دغدغه‌هایی در نسبت با نحوه‌ی ظهور دینداری در این زمانه در من ایجاد شد و راهکارهای عادی و رایج در حل این مسائل برای من کافی نبود. توصیف این دردها چندان هم ساده نبود و آن زمان دقیقاً نمی‌دانستم به دنبال چه هستم. کاملاً اتفاقی با دکتر بیژن عبدالکریمی آشنا شدم؛ گویی ایشان از سوختگان ایشان درد بودند. در همین حین به واسطه‌ی یک پیام در کانال دکتر، مطالبی از آقای روح الامین و نامه دکتر داوری به ایشان را دیدم و از این طریق وارد یک مسیر تازه با آنها و شما شدم. آن زمان این مطالب را نمی‌فهمیدم و فقط می‌دانستم اینها سخنی در شرح همان درد درینه است. به هر حال بنده اکنون باید انتخاب رشته دانشگاهی انجام دهم. آن علاقه به فلسفه مثل قبل پراکنده نیست و مباحث فلسفی با نظر به یک افقی صورت می‌گیرد. همچنین با اشاره به گفتگویی که با دکتر عبدالکریمی در سها تحت عنوان بزرگترین وظیفه متفکران داشتید، بنده تصمیم گرفتم رشته فلسفه (دانشگاه تهران) را ذیل مسیر کربلایی انقلاب اسلامی کنم. درباره انتخاب این رشته با این رویکرد اگر ممکن است نصیحتی بفرمایید. این انتخاب برای بنده که ضعیف‌النفس هستم خیلی دشوار است، از جهتی باید رضایت والدین را برای رشته‌ای که حتی درباره چپستی اش نمیدانم کسب کنم و از طرفی باید سختی‌های رفتن از یک شهر کوچک به تهران را قبول کنم. متأسفانه امکان تحصیل حوزه علمیه را هم ندارم. ممنون و عذرخواهی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به حضوری فکر بفرمایید که در فلسفه اسلامی پیش می‌آید و در آن بستر البته پس از آنکه فلسفه «حکمت متعالیه» را چشیدید، به مرور با فلسفه غرب در منظرهایدگر آشنا شوید و در جمع‌بندی، متوجه مسائل «بشر جدید» خواهید شد و این‌جا است که جایگاه اشارت قرآنی و شخصیت‌های معصوم در رابطه با نسبت انسان با خدا و دیگر انسان‌ها پیش می‌آید. و این است آن حضوری که ما در این تاریخ آخرالزمانی می‌توانیم مدّ نظر قرار دهیم و البته «تو پای به راه در نه و هیچ می‌رس / خود راه بگویدت که چون باید رفت». بنابراین جای تعلل نیست، خود به خود کارها جلو می‌رود. موفق باشید

